

۱۲۰ درصد خطا

فردوسی پور نمی خواهد برنامه فوتبال ۱۲۰ را ادامه دهد

تصمیمی در ادامه گفت‌وگوی پر از اشتباه با جهانبخش که هم به ضرر تلویزیون است هم به ضرر عادل

رفتار مدیران صداوسیما نسبت با چهره‌های مشهور دقت کنیم، هر دو نوع کنش را خواهیم دید. هم در بعضی موارد به قدری سخت گرفته‌اند که تسمه آهنین راهم پاره می‌کرد و هم در بعضی موارد دیگر چنان مماشات می‌کردند که رنگ از روی گلبرگ کسی نبرد. در آن سو عادل فردوسی پور هم فرصت داشت اشتباه نکند یا اشتباهاتی که در موردش شده بود را به روش درست و عاقلانه و با مصلحت سنجی درست پاسخ دهد اما چنین نکرد. مرور کنیم و ببینیم این اتفاقات از کجا شروع شد و چه چیزهایی بر آن تأثیر گذاشت و چه تصمیماتی جهت پیشروی ماجرا را به این سو و آن سو در تغییر داد که نهایتاً ما به اینجا رسیدیم؟ شاید پاسخ سؤالاتی که درباره چرایی رسیدن به این وضع و چشم‌انداز آینده آن و تعیین مقصرها و موثرها از خودمان پرسیدیم، در این مرور ممتد و مجدد، خود به خود روشن شود.

که از شرایط اجتماعی و رسانه‌ای کشور داشت و البته احتمالاً هر دوی این موارد. حالا چه کسی در این میان ضرر کرد؟ یا به عبارتی آیا فردوسی پور موفق شد که با این اقدام به صداوسیما ضربه بزند؟ پاسخ این است که بله او موفق شد؛ اما سازمان صداوسیما تنها طرف این دعوا نبود که ضرر کرد. این یک بازی باخت-باخت بود که برای خود عادل فردوسی پور هم هیچ منفعتی در پی نمی‌آورد. چرا کار به اینجا کشید؟ آیا این امکان وجود داشت که در همین فقره به خصوص و البته موارد مشابه آن به جای معادله باخت-باخت یک معامله برد-برد انجام شود؟ سرانجام این رویه برای سازمان صداوسیما از طرفی و چهره‌های مشهور هنری و رسانه‌ای از سوی دیگر به کجا خواهد کشید؟ آیا باید مدیران نرمش به خرج دهند تا چنین نشود یا اتفاقا می‌بایست بیشتر سخت می‌گرفتند که نگرفتند؟ اگر در

آنکه خود را فرزند رسانه ملی نامیده بود، با پای خودش از تلویزیون رفت اما نه به دلیل خستگی یا کمبود بودجه یا مواردی از این دست، بلکه به عنوان تسویه حساب و قهر. حدود پنج سال پیش وقتی حواشی برنامه تلویزیونی «نود» شروع شد، عادل فردوسی پور می‌خواست برنامه‌اش را نگه دارد و مدیران سیما نمی‌خواستند و حالا درباره برنامه «فوتبال ۱۲۰» که از شبکه ورزش روی آنتن می‌رود، ماجرا برعکس شد. هیچ‌کس در تمام ساختار مدیریتی صداوسیما قصد نداشت این برنامه را تعطیل کند یا هر نوع چالش جدیدی را با عادل فردوسی پور رقم بزنند. حال آنکه خودش چنین تصمیمی گرفته بود. شاید انگیزه او انتقام از مدیران سازمان باشد و شاید این کار را به دلیل برآوردی انجام داد



تکل غلط روی پای ستاره‌ها

وجود ندارد و او می‌تواند به تلویزیون بازگردد. این حرف‌های جلیلی در سفر خوزستان و در پاسخ به درخواست خبرنگاری بود که از جلیلی می‌خواست قول بازگشت فردوسی پور را بدهد. جلیلی می‌دانست که فردوسی پور در تلویزیون برنامه فوتبال ۱۲۰ را دارد و این حرفش به معنای بازگشت برنامه ۹۰ تعبیر شده بود. اما واقعا در شرایطی که جامعه هنوز نسبت به آنچه در این سال‌ها بین فردوسی پور و صداوسیما شکل گرفته بود سوال داشت، این اظهار نظر چه معنایی داشت. آیا فردوسی پور قبول کرده بود که به قواعد حرفه‌ای برنامه‌سازی در تلویزیون تن بدهد یا در بر همان پاشنه می‌چرخید؟ ظاهر امر این را نشان می‌داد که این تصمیم جلیلی با یک رواداری نسبت به رفتارهای غیر حرفه‌ای پیشین فردوسی پور گرفته شده اما واقعیت این است که مدیریت جدید تلویزیون هر چه جلوتر می‌رفت نشانه‌هایی از تدبیر در مواجهه با چهره‌های مشهور از خود نشان نمی‌داد. رفتاری که با برنامه کتاب باز و سروش صحت شد، رفتاری که با برنامه احسان علیخانی و برنامه عصر جدید شد و حتی جنس مواجهه این تلویزیون با رامبد جوان و خندوانه هیچ نشانه‌ای از تعامل و تدبیر در مواجهه با چهره‌های مشهور ندارد. نتیجه چه می‌شود؟ اینکه وقتی رئیس صداوسیما در دانشگاه امام صادق (ع) بدون اینکه نامی از فردوسی پور ببرد، به سوالی درباره سلبریتی‌ها پاسخ می‌دهد، همه چنین برداشت می‌کنند که او درباره حذف عادل فردوسی پور حرف زده است. بازی رسانه‌ای برای رادیکال کردن فضا تا حدی پیش رفت که صداوسیما اطلاعیه داد که جلیلی در دانشگاه امام صادق (ع) و در موضوع عدم حضور سلبریتی‌ها در صداوسیما، نامی از فردی نبرده است. رئیس صداوسیما در همان نشست دانشگاه امام صادق (ع) گفته بود که سلبریتی‌ها زوایه‌ای مطلقاً منفی نیست و این حرف یعنی مدیران سیما این پدیده را می‌خواهند اما توان جذب و کنترل چهره‌های مشهور فعلی را ندارند. او درباره اینکه نمی‌خواهد به چهره‌های مشهور التماس کند و در برابرشان ذلت بکشد حرف زد. فضای هیجانی که جلیلی و تیم جدید مدیران صداوسیما شکل داده بودند، باعث شد که فردوسی پور تصور کند رفتش از تلویزیون می‌تواند از او شمالی‌ها قهرمان‌های بسازد. اما بازنده این دوئل چه کسی است؟

فردوسی پور نمونه تمام‌عیار از عدم راهبرد صداوسیما در مدیریت چهره‌های مشهور است. قطعاً این عدم راهبرد در مدیریت چهره‌های همچون فردوسی پور مختص به یک دوره خاص مدیریتی نیست، بلکه نتیجه یک فرآیند دیرپای است. مدیرانی که سال‌ها قبل در مواجهه با برنامه ۹۰ و فردوسی پور فقط به دادن تذکراتی بسنده کرده بودند و آزادی تقریباً مطلق برنامه ۹۰ نه تنها باعث شد که چهارچوب‌های منطقی یک رسانه از سوی فردوسی پور به چالش کشیده شود، بلکه او را متوقع تر هم کرد. چالش‌هایی که بعضی وقت‌ها مثل یک زلزله چندرشته‌ای ذهن‌ها را حساس می‌کرد، مثل روزی که ایران با اسپانیا بازی داشت و عادل تا ساعات‌ها قهر کرد و جلوی دوربین نیامد! داستان از این قرار بود که مدیران صداوسیما جلوی حضور پیول در برنامه عادل را گرفته بودند و همین باعث بروز شایعاتی هم شد. چند شب بعد کلیپی در میانه برنامه ویژه جام جهانی پخش شد و مدیر برنامه ایرانی پیول شایعه اینکه علت ممانعت تلویزیون موی بلند او یا نتوی دستش بوده را تکذیب کرد! اما وقتی دوربین به استودیوی پخش برگشت عادل گفت این تصاویر ربطی به برنامه او ندارد! از این دست موارد زیاد است و اگر اتفاقات آن سال‌ها را دقیق‌تر بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد که جنس کنش‌های فردوسی پور در نسبت با مدیران تلویزیون منجر به حذف برنامه ۹۰ از قاب تلویزیون شد یا شاید بهتر باشد که بگوییم برنامه ۹۰ قربانی آن جنس مدیریتی شده بود که ۲۰ سال نتوانست یک برنامه‌ساز را به درستی هدایت و کنترل کند و حالا چهره‌ای که سازمان صداوسیما در ساخته شدن و شهرت پل و وقت خرج کرده بود، در تعارضی آشکار با مدیرانش قرار داشت. با این حال عادل هم‌زمان با قهر از گزارشگری در تلویزیون، برنامه فوتبال ۱۲۰ را روی آنتن شبکه ورزش برد. رابطه او با مدیران تلویزیون به یک کما چهارساله فرورفت و مخاطب هم در بالاتر کیفی کامل در نسبت با آنها قرار داشت.

مدیران فعلی تلویزیون به جای عمل جراحی برای حذف یک اشکال، مسیر قبلی عدم راهبرد در مدیریت او را این بار به گونه دیگر درپیش گرفتند. پیمان جلیلی دهم مهرماه ۱۴۰۰ و سه روز بعد از انتشارش بر پست ریاست سازمان صداوسیما در اظهار نظری تأکید کرد که برای فعالیت عادل فردوسی پور منعی

نیاز به VAR داری آقای فردوسی پور

بودند، عده‌ای نگران شدند و عده‌ای خوشحال. آنها که نگران بودند از هتک حرمت پرچم ایران می‌توسیدند و آنها که خوشحال بودند، فکری می‌کردند مسابقات ملی فوتبال می‌تواند اتحاد و انسجام را به جامعه ایران برگرداند. هیچ کدام از این دو حالت به‌طور کامل رخ نداد. هم جسارت‌هایی شد و واکنش‌هایی به آن جسارت‌ها صورت گرفت. فشار روانی روی اعضای تیم ملی فوتبال ایران بی‌اندازه بالا بود و لاف‌زنانی که عمری فوتبالی بودند و با خیلی از این بچه‌ها رقابت داشتند، توقع می‌رفت که برخورد همدلانه‌ای با آنها کنند تا این مرحله دشوار بگذرد. عادل فردوسی پور از جایی که بعد مخاطبانش را مشخص کرده بود و می‌خواست که آنها در هواداران یک طیف سیاسی به‌خصوص محدود باشند. او در چند سالی که به هر دلیلی از آنتن دور بود، حمایت‌های فراوانی از سمت این طیف دریافت کرد و همین باعث شد در لحظه مقتضی، با باز کردن حساب ویژه و بیش از اندازه روی هیجانات همین طیف سیاسی و اجتماعی به‌خصوص، بقیه را درباره بیرون بریزد. این راضی‌خوابی او با علیرضا جهانبخش در برنامه «فوتبال ۲۶۰» مشخص می‌کرد. عموماً در فرآیند گفت‌وگو، یک فراگرد ارتباطی دوسویه شکل می‌گیرد تا واقعیت‌ها با کمترین اختلال به مخاطبان آن گفت‌وگو برسند. بنابراین سوال هایدیده گونه‌ای طراحی شوند که قضاوت‌های از پیش تعیین شده نداشته باشد. اما فضای حاکم بر گفت‌وگوی فردوسی پور و جهانبخش به گونه‌ای دیگر بود. سوالات پیش از اینکه شروع شوند با یک حکم کلی و قضاوت در مورد اتفاقات سال گذشته پرسیده می‌شدند و در بعضی نقاط مصاحبه‌کننده آنقدر دست قضاوت را پیش می‌گرفت که حرف‌هایش تبدیل به یک بیانیه سیاسی می‌شد. برای همین بود که عمده کاربران نسبت به فضای حاکم بر این گفت‌وگو انتقاد داشتند و آن را شبیه یک بازجویی سیاسی می‌دانستند.

اواخر تابستان ۱۴۰۱ بود که فوت خانم مهسا امینی اوضاع کلی کشور را یکسره زیر و رو کرد. نیاز به توضیح نیست که خیلی از دلخوری‌های پیشین پس از انباشت طولانی بارخ دادن این اتفاقات سر باز کردند و هیزم شعله‌هایی شدند که توره می‌کشید. در این تسویه حساب کسانی هم داستان و همسوس شدند که اگر شرایط عادی بود باید سایه هم را با تیر می‌زدند و چنانچه پس از آرامش نسبی فضا مشخص شد آنها خودشان با همدیگر بیشتر از هر کدام با جمهوری اسلامی دچار چالش و مشکل هستند. واقعا هوش و فراسمت می‌خواهد که فرد در چنین مواقعی جهت درست و موضع صحیح را تشخیص بدهد. افتادن در دام اتمسفر هیجانی موجود ممکن است هزینه‌هایی روی دست هر فرد بگذارد که گاهی جبران پذیر نیستند. از آن سو تودوری و برخورد خشن و بدون عاطفه با کسانی که به هر دلیلی معترض هستند حتی بدها و در موقعیتی که علت دلخوری و اعتراض برطرف شده باشد کینه‌ها از آن لحن نامناسب را در دل هانگه می‌دارد. در چنین مرحله‌های دشواری بی‌صدا شدن و محافظه‌کاری و عاقبت‌گرایی محض هم برای هر شخص مشهوری در درستی می‌کند. هوش رسانه‌ای افراد در چنین مواقعی است که خودش را نشان می‌دهد. آدم باهوش و با تجربه نه تسلیم فشارهای خشم‌آهنگ و تندمزا جان‌های می‌شود که او را به اتخاذ مواضع بنیان‌برافکن مجبور می‌کند، نه با در نظر گرفتن احساسات معترضان و منتقدان در آن لحظه تاریخی به‌خصوص، حرف نسنجیده‌ای می‌زند و نه با سکوت محض در توهم‌ریدن از این گرداب خودش را در گردباد نقدهای بعدی می‌اندازد. عادل فردوسی پور همان اشتباه اول را کرد؛ یعنی جوگیر شد. مدتی بعد از اتفاقاتی که به پسامه‌ها مشهور شد، فصل حضور ایران در مسابقات جام جهانی فوتبال فرامی‌رسید. در این فضا کسانی که مترصد آرام شدن اوضاع داخلی

چه کسی خواهد باخت؟

تصمیمش را گرفته و دیگر تمایلی به ماندن به‌عنوان تهیه‌کننده برنامه ندارد. او اینقدر باهوش است تا مسیری را که مزید کمرزایی درپیش گرفته طی نکند و دست به انتحار رسانه‌ای نزند اما مساله این است که ماجرای فردوسی پور و تلویزیون وارد یک دوئل سخت شدند. دو نفری که در دولتی دیوانه‌وار ترمز ماشین‌هایشان را بریده‌اند و قرار می‌گذارند که با سرعت به سمت هم حرکت کنند؛ بازنده کسی است که زودتر بکشد کنار و از مرگ بگریزد. موقعیتی که اگر هر دو نفر بخواهند پیروز باشند، هر دو خواهند مرد. مشاوران فردوسی پور او را به سمت این دوئل هل می‌دهند و نتیجه نه به نفع خود اوست و نه به نفع صداوسیما. یک بازی دو سر باخت!

داستان از این قرار است. چند شب قبل و در آخرین قسمت «فوتبال ۱۲۰»، مجری‌از بینندگان برنامه خواست تا تیتراژ پایانی را ببینند. تیتراژی که نام فردوسی پور به‌عنوان تهیه‌کننده برنامه حذف شده بود و همین شروع شایعاتی مبنی بر اینکه «فوتبال ۱۲۰» دیگر پخش نمی‌شود. صبح دیروز روابط عمومی برنامه اعلام کرد «فوتبال ۱۲۰» با برجاست و فصل جدید این برنامه که به تحلیل و پرداختن به رویدادها و حواشی فوتبال جهان اختصاص دارد با شروع مجدد لیگ‌های معتبر فوتبال جهان و داغ شدن تب فوتبال در قاره اروپا از اواخر مردادماه آغاز خواهد شد. شواهد حاکی است علی‌رغم اعلام روابط عمومی مبنی بر ادامه پخش «فوتبال ۱۲۰»، گویا فردوسی پور

چارسو

۳ سال صبر کردیم که فیلم تغییر نکند



محمد رضا شفاه تهیه‌کننده «مصلحت» درباره بحث توقیف ۳ ساله فیلم توضیح داد: «همان‌طور که می‌دانید این فیلم ۳ سال توقیف بود و برای اکران هم طبیعتاً اصلاحاتی صورت گرفت. ما ۳ سال صبر کردیم تا با مدیران به تعاملی برسیم که هم آنها مشکلی با فیلم نداشته باشند و هم فیلم تغییری نکند. اگر قرار بود «مصلحت» با اصلاحات تغییر جدی کند، لازم نبود ۳ سال صبر کنیم. البته این اصلاحاتی هم که انجام شده، مفهوم و محتوایی از فیلم را عوض نکرده است.» وی افزود: «مصلحت» حرف سختی می‌زند و ما هم در حال تلاش هستیم تا این حرف را در مدیوم سینما به تصویر بکشیم. این فیلم، سیاسی نیست بلکه فیلم زندگی است. در واقع همه ما می‌توانیم امروز در موقعیت کارا کترهای «مصلحت» باشیم.» وحید رهبانی از بازیگران فیلم هم در اینباره بیان کرد: «هرکس که فیلم را ببیند، متوجه دلیل توقیف آن هم می‌شود. طبیعتاً فیلمی که توقیف می‌شود، زیر تیغ سانسور هم می‌رود. فیلم «مصلحت» درباره مسائل مهم کنونی حرف می‌زند و درباره آنها طرح مساله می‌کند. امروز زمانی است که این فیلم باید دیده شود و امیدوارم که آن را دوست داشته باشید.»

اعتصاب نویسندگان یک سریال دیگر را هم کنسل کرد



به نقل از وریاتی، تولید سریال «روز صفر» نتفلیکس که از آن به عنوان اولین حضور رابرت دنیرو در یک سریال تلویزیونی یاد می‌شود متوقف شده است. تولید این سریال به تازگی در نیویورک شروع شده بود اما اکنون با اعتصاب نویسندگان، امکان ادامه کار وجود ندارد. هیچ زمانی هم برای بازگشت به ادامه کار تولید اعلام نشده است. نتفلیکس که از تهیه‌کنندگان بزرگ و یکی از ۸ کمپانی‌ای است که با درخواست‌های نویسندگان موافقت نکرده، از اظهار نظر درباره توقف سریالش خودداری کرد. «روز صفر» با این موضوع ساخته می‌شود که چگونه در دنیای بحرانی که در ظاهر توسط نیروهای خارج از کنترل ما اداره می‌شود، حقیقت را پیدا کنیم؟ و در عصری که پر است از تئوری توطئه، قدر از این نیروها حاصل کارهای خودمان یا شاید حتی تصورات خودمان هستند؟ این جدیدترین برنامه تلویزیونی است که تحت تأثیر ادامه مشکلات در هالیوود قرار گرفته است. اتحادیه نویسندگان (WGA) از اوایل ماه می درحالی که برای عقد یک قرارداد جدید با اتحاد تهیه‌کنندگان فیلم و تلویزیون به توافق نرسید، اعتصاب کرده است.

رکورد جدیدی که پیکاسو شکست



پرتراهی که «پابلو پیکاسو» از چهره همسر دومش «ژاکلین روک» خلق کرد، در حراجی «ون هام» (Van Ham) واقع در «کلن» به قیمت ۲۰۴ میلیون یورو یعنی دو برابر پایین‌ترین قیمت برآورد شده برای این اثر هنری فروخته شد و رکورد جدیدی را برای حراجی «ون هام» به ثبت رساند. مجموعه‌دار سوئیس که این نقاشی را خریداری کرد با احتساب کمیسیون حراجی در مجموع ۴۰۳۵ میلیون یورو پرداخت کرد که در سال جاری میلادی بیشترین قیمت برای یک اثر هنری فروخته شده در این حراجی است. این پابلو نقاشی رنگ روغن که با عنوان «یک زن» در سال ۱۹۷۱ خلق شده است، توسط یک مجموعه‌دار آلمانی به حراجی ارائه شد و ارزش تقریبی آن بین ۱۰۵ میلیون یورالی ۲۰۵ میلیون یورو برآورد شده بود. مسئولان حراجی «ون هام» با انتشار بیانیهای اعلام کردند که حراجی عصر پنجم ژوئن، با سود در مجموع ۱۳۰۹ میلیون یورو، موفق‌ترین فروش در تاریخچه این حراجی است. در حال حاضر رکورد گران‌ترین اثر فروخته شده در یک حراجی آلمانی به خودنگاره سال ۱۹۴۴ اثر «ماکس کمان» تعلق دارد که در دسامبر سال گذشته در برلین به قیمت ۲۰ میلیون یورو فروخته شد.

تکلیف نامعلوم تلویزیون با برنامه‌های برند کودکان



مسلم آقا جان زاده، تهیه‌کننده «کلبه عمو پورنگ» درباره وضعیت برنامه‌های کودک در تلویزیون و به ویژه سرنوشت این برنامه گفت: «آخرین برنامه ما برنامه «کلبه عمو پورنگ» بود که سال ۹۹ به راه افتاد و سال ۱۴۰۰ به پایان رسید و در اوج هم تمام شد اما متأسفانه هنوز هم نتوانسته‌ایم آن را جمع کنیم و تسویه مالی بگیریم که به فکر کارهای جدید باشیم. علی‌رغم اینکه مدیران قول دادند، هنوز بعد از ۳ سال موفق نشدیم به سرانجامی برسیم. مشکل اینجاست که بعد از ۳ سال تورم این پول را به زیر صفر کشانده و ما را دچار مشکلات زیادی کرده است.» وی در ادامه با اشاره به تعطیلی این برنامه گفت: «این برنامه از قدیمی‌ترین برنامه‌های تلویزیون بود که همه عوامل در این سال‌ها کنار هم بودند و چنین اتفاقی در کمتر برنامه‌ای دیده می‌شود؛ چراکه اغلب سسمت برنامه‌سازان برنامه‌ها تغییر می‌کند. ما از قدیمی‌ترین برنامه‌سازان کودک هستیم و بیست‌مین سالگرد برنامه‌مان مواجه با این مشکلات مالی و از هم‌پاشیدن این برند تلویزیونی ۲۰ ساله شد.»